

نقش تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصتهای شغلی و کاهش بیکاری در نواحی روستایی (مورد استان فارس)

دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری و دکتر حسین ایزدی خرامه^۱

چکیده

مطالعات انجام گرفته نشان می دهد که شهرهای کوچک دارای کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه ای بوده و با توجه به اینکه این شهرها در حوزه های روستایی قرار گرفته و دارای روابط و پیوندهای قوی با نواحی پیرامونی خود هستند، می توانند در توسعه روستایی، منطقه ای و ملی (افزایش فرصتهای شغلی و کاهش مهاجرت های نامطلوب و تأمین خدمات مورد نیاز روستائیان و ...) نقش مؤثری ایفا نمایند. به عبارت دیگر تقویت و توسعه شهرهای کوچک و بهبود توسعه روستایی دارای روابط تنگاتنگی هستند. شهرهای کوچک با ایجاد فرصتهای شغلی غیر زراعی و ارائه خدمات مورد نیاز می توانند در کاهش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگتر نقش مؤثری ایفا نمایند و زمینه را برای توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه، فراهم آورند. از این رو سیاستها و برنامه های توسعه روستایی نمی تواند از اقدامات توسعه و تقویت شهرهای کوچک منفک باشد. و بر این اساس است که توسعه شهرهای کوچک همواره به عنوان یکی از سیاستهای عمده در امر برنامه ریزی کشورهای در حال توسعه مدنظر بوده است.

در این مقاله که به نقش تبدیل روستا به شهر در توسعه روستایی پرداخته شده، فرض بر این است که این اقدام منجر به تقویت و بهبود توسعه روستایی و منطقه ای و سرانجام ملی بویژه از بعد افزایش فرصتهای شغلی و کاهش بیکاری می گردد.

در واقع سؤال اساسی این است که تبدیل روستاها به شهر به عنوان یک اقدام در راستای سیاست ایجاد تقویت و توسعه شهرهای کوچک تا چه حد توانسته است یکی از اهداف عمده توسعه روستایی که ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری در نواحی روستایی است را جامه عمل بپوشاند.

برای پاسخگویی به این سؤال اساسی، روش شناختی به شیوه توصیفی و تحلیلی مورد توجه قرار گرفت. در مبانی نظریه ای از شیوه اسنادی و در آزمون سؤال شیوه تحلیلی آماری بویژه آزمون مقایسه زوجی و آزمون همسویی مورد استفاده قرار گرفت. یافته ها نشان می دهد که تبدیل روستاها به شهرها تا حدودی در افزایش فرصتهای شغلی در شهرهای مورد مطالعه مؤثر بوده است.

کلمات کلیدی: تبدیل شهر به روستا، فرصتهای شغلی، کاهش بیکاری، توسعه شهرهای کوچک و نواحی روستایی.

۱. به ترتیب عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز.

۱- مقدمه

مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که شهرهای کوچک دارای کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه‌ای بوده و با توجه به اینکه این شهرها در حوزه‌های روستایی قرار گرفته و دارای روابط و پیوندهای قوی با نواحی پیرامونی خود هستند، می‌توانند در توسعه روستایی، منطقه‌ای و ملی (افزایش فرصتهای شغلی و کاهش مهاجرت‌های نامطلوب و تأمین خدمات مورد نیاز روستائیان و...) نقش موثری ایفاء نمایند. (شکل ۱) به عبارت دیگر تقویت و توسعه شهرهای کوچک و بهبود توسعه روستایی دارای روابط تنگاتنگی هستند. شهرهای کوچک با ایجاد فرصتهای شغلی غیر زراعی و ارائه خدمات مورد نیاز می‌توانند در کاهش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگتر نقش موثری ایفاء نمایند و زمینه را برای توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه، فراهم آورند. از این رو سیاستها و برنامه‌های توسعه روستایی نمی‌تواند از اقدامات توسعه و تقویت شهرهای کوچک منفک باشد. و براین اساس است که توسعه شهرهای کوچک همواره به عنوان یکی از سیاست‌های عمده در امر برنامه‌ریزی کشورهای در حال توسعه مد نظر بوده است.

در این مقاله که به نقش تبدیل روستا به شهر در توسعه روستایی پرداخته شده، فرض بر این است که این اقدام منجر به تقویت و بهبود توسعه روستایی و منطقه‌ای و سرانجام ملی بویژه از بعد افزایش فرصتهای شغلی و کاهش بیکاری می‌گردد. در واقع چنانچه توسعه روستایی و منطقه‌ای را به عنوان هدف کلان در نظر داشته باشیم، این هدف کلان دارای اهداف جزئی است که عبارتند از:

- ۱- کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگتر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی؛
 - ۲- ایجاد فرصتهای شغلی و کاهش بیکاری و جذب نیروی کار مازاد روستایی در مشاغل شهری؛
 - ۳- تأمین و توزیع خدمات در مناطق روستایی.
- بر مبنای سه هدف فوق، کارکرد شهرهای کوچک در توسعه کشاورزی، صنعتی و خدمات (مراکز بازاری) و اشتغال‌زایی به عنوان پایه تئوریک فرضیه در نظر گرفته شده است.
- از دیگر سو، امروزه در یک اقتصاد مدرن، در ارتباط با نقش دولت با کیفیت، وظایف زیر مورد تاکید است:

- ۱- فراهم کردن زمینه‌های اساسی (برنامه‌ریزی کاربردی اراضی و مقررات)؛
 - ۲- تولید و باز تولید نیروی کار؛
 - ۳- بهبود کیفیت سیاست‌گذاری‌ها از جمله سیاست‌گذاری‌های اقتصادی؛
 - ۴- توسعه شهری و ناحیه‌ای.
- به این ترتیب، کاسیت‌های موجود در رویکردهای توسعه کلاسیک و ناکارآمدی‌های آنها در عمل از یکسو و سرخوردگی از نظریه‌های قطب رشد موجب گردید که تقویت برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توجه به توسعه روستایی و اصل مکمل بودن مکانها (اصل اکمال متقابل) اصول و چارچوب رویکرد جدید قرار گیرد.

رویکرد موجود و پایه تئوریک فوق‌الذکر، ایجاد و تقویت و توسعه شهرهای کوچک را به عنوان یک سیاست کلی و عمده مد نظر دارند و این سیاست را از طریق ارتقاء وضعیت شهرهای کوچک، تجهیز و تقویت شهرهای کوچک، ایجاد شهرهای جدید روستایی و... دنبال می‌کنند. حال سؤال اساسی این است که تبدیل روستاها به شهر به عنوان یک اقدام در راستای سیاست ایجاد، تقویت و توسعه شهرهای کوچک تا چه حد توانسته است یکی از اهداف عمده توسعه روستایی که ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری در نواحی روستایی است را جامه عمل بپوشاند و به تقویت پایه‌های تئوریک مطرح شده کمک نماید. برای پاسخگویی به این سؤال اساسی، ابتدا روش شناختی موضوع مشخص گردیده و سپس براساس این روش شناختی به آزمون فرضیه مورد نظر که مبتنی بر اهداف جزئی توسعه روستایی و منطقه‌ای هستند، پرداخته شده است.

۲- تجربیات جهانی در زمینه توسعه شهرهای کوچک

متون توسعه نشان می‌دهد به علت سرخوردگی نسبت به تئوریهای قطب رشد و رویکردهای توسعه کلاسیک و ناکامی رویکردهای قبلی توسعه، بروز مشکلاتی از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فضایی در کشورها، بویژه در کشورهای جهانی سوم؛ از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران این کشورها به تقویت و توسعه شهرهای کوچک و میانی جلب گردید.^۱

مطالعات انجام گرفته بر روی تجربیات ۲۵^۲ کشور جهان در زمینه توسعه شهرهای کوچک که عمدتاً کشورهای درحال توسعه بوده و در قاره‌های مختلف جهان نیز پراکنده‌اند، مشخص کرده است که در این کشورها، از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد توجه به توسعه و تقویت شهرهای کوچک در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های عمرانی‌شان مدنظر بوده و در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شدت بیشتری به خود گرفته است و همچنان نیز ادامه دارد.

در هر یک از این کشورها یک یا چند دلیل، زمینه و اهدافی موجب توجه به توسعه و تقویت شهرهای کوچک در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های عمرانی آنها شده است که عبارتند از:

- جلوگیری و کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و پایتخت و جلوگیری از افزایش جمعیت شهرهای بزرگ و کنترل رشد آنها و رفع پدیده نخست شهری؛
- ایجاد تعادل در توزیع جمعیت در سطح کشور؛
- جلوگیری و کاهش تمرکز فعالیت‌های اقتصادی (صنعتی - خدماتی) در شهرهای بزرگ و پایتخت و نیاز به توزیع متعادل این فعالیت‌ها در سطح کشور؛

1. Lawrence Onwura Omoja; "The Role of Small Towns in Rural Development in Borno State, Nigeria"; VK, London University; Ph.D.D; 1987.

۲. شوروی سابق، فرانسه، لهستان، چین، مالزی، بنگلادش، هند، کره جنوبی، سریلانکا، اندونزی، تایلند، فیلیپین، نپال، عربستان سعودی، ژاپن، سودان، غنا، زامبیا، زیمبابوه، تانزانیا، کنیا، مصر، کلمبیا، مکزیک و کوبا.

- عدم وجود تعادل در سلسله مراتب سکونتگاهی شهری و نیاز به ایجاد تعادل در اندازه و سلسله مراتب سکونتگاهها؛
- برانگیختن توسعه اقتصادی و اجتماعی حوزه نفوذ شهرهای کوچک ؛
- ناموفق بودن سیاست قطب رشد ؛
- نیاز به ایجاد تعادل و برابری اجتماعی، اقتصادی، منطقه‌ای، شهری و روستایی و رفع دوگانگی بین نواحی شهری و روستایی ؛
- نیاز به افزایش مطلوبیت‌های زندگی و رفاه در شهرهای کوچک و حوزه نفوذ؛
- کاهش نرخ رشد جمعیت شهرهای کوچک و از دست دادن جمعیت ؛
- نیاز به ایجاد پیوند بین مناطق شهری و روستایی از طریق شهرهای کوچک و مراکز بازاری؛
- نیاز به تمرکززدایی از مدیریت و تقویت شهری و دولت های محلی جهت انجام بهتر وظایف شهری؛
- بر مبنای این دلایل، زمینه ها و اهداف مورد نظر جهت توسعه شهرهای کوچک، یک یا چند سیاست و راهکارهایی به عنوان برنامه‌های عمرانی این کشورها در نظر گرفته شد که عبارتند از:
- جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگتر و هدایت آنها به سمت شهرهای کوچک؛
- طراحی نظام اسکان جمعیت و سطح بندی شبکه سکونتگاهی شهری و روستایی به منظور تعادل بخشی به نظام سلسله مراتب سکونتگاهی و سیاست توزیع جمعیت؛
- ایجاد تعادل در توزیع منابع و امکانات اقتصادی در همه سطوح سلسله مراتبی در سطح کشور؛
- پویا کردن رشد و توسعه شهرهای کوچک (احیاء پویایی شبکه شهرهای کوچک) و افزایش رفاه در شهرهای کوچک ؛
- تمرکز زدایی (در سطوح فعالیتی و مدیریت اداری و ...) ؛
- توسعه و نوسازی روستایی ؛
- بر مبنای سیاست‌ها و راهکارهای اتخاذ شده برای توسعه شهرهای کوچک، یک یا چند نوع از برنامه‌ها و اقداماتی، جهت توسعه و تقویت شهرهای کوچک در این کشورها انجام گرفته است که عبارتند از :
- انتقال مراکز فعالیت و سرمایه‌گذاری با مکانیزم های تشویقی به شهرهای کوچک و مراکز روستایی و تمرکز زدایی از صنایع ؛
- تأمین و بهبود و توسعه زیر ساخت‌ها، تاسیسات، تجهیزات و خدمات شهری در شهرهای کوچک و سرمایه‌گذاری سنگین در این زمینه و تجهیز شهرهای کوچک ؛
- تأمین ارتباط سلسله مراتبی شهرهای کوچک با بزرگترین سکونتگاه شهری همان حوزه ؛

- ایجاد فرصت‌های شغلی و تنوع در مشاغل در شهرهای کوچک از طریق فعالیتهای صنعتی، توریستی و خدماتی؛
- احداث شهرهای کوچک جدید و مراکز روستایی جدید (اوجاما)؛
- افزایش استانداردهای زندگی و رفاه برای ساکنان شهرهای کوچک؛
- واگذاری مسؤلیت‌ها و تفویض اختیارات به حکومت‌های محلی از حیث استقلال در تصمیم‌گیری؛
- ایجاد و بهبود سیستم تأمین اعتبار و بودجه ملی و برقراری سیستم مالیات محلی؛
- بهبود و اصلاح سیستم مدیریت شهری و تقویت سیستم اداری و مسؤلان محلی و جذب پرسنل کارا در شهرهای کوچک؛
- تقویت پیوند ما بین شهرهای کوچک در روستاهای اطراف با ایجاد مراکز بازاری؛
- نوسازی و توسعه کشاورزی در روستاهای اطراف شهرهای کوچک؛
- اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های فوق‌الذکر در جهت تقویت و توسعه شهرهای کوچک در این کشورها ، برخی از نتایج زیر را در بر داشته است:
- کند شدن جریان مهاجرت به شهرهای بزرگ، کاهش رشد جمعیت پایتخت و کاهش معضلات مهاجرت؛
- توزیع مناسب و متعادلتر جمعیت در سطح کشور و ایجاد تعادل در رشد جمعیت شهری و روستایی؛
- توزیع متعادلتر امکانات و فعالیت‌های اقتصادی در سطح کشور؛
- بهبود نظام سلسله مراتب سکونتگاههای شهری و ایجاد تعادل و توازن در اندازه شهری و اهمیت یافتن شهرهای کوچک در نظام سلسله مراتب سکونتگاهها؛
- افزایش تعداد شهرهای کوچک و شهرهای جدید و رشد جمعیت آنها؛
- کاهش نابرابریهای منطقه‌ای - قومی و توسعه منطقه‌ای، شهری و روستایی و تقویت پیوندهای روستایی - شهری؛
- صنعتی شدن روستاها؛
- بروز برخی ویژگیهای شهری و تغییرات و تحولات کالبدی و فیزیکی در شهرهای کوچک؛
- افزایش کارکردهای خدماتی شهرها و ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش فعالیت‌های تجاری و بازرگانی؛
- افزایش مشارکت مردم و تقویت موسسات محلی؛
- بهبود استانداردهای زندگی و رفاه در نواحی روستایی و شهرهای کوچک؛
- شهری شدن نواحی روستایی؛

در ادامه به برخی کارکردهای شهرهای کوچک با عنایت به فرضیه موردنظر بویژه از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آن (اشتغال‌زایی و کاهش مهاجرتها) پرداخته شده است.

شهرهای کوچک با توجه به پیوندشان با نواحی روستایی، زمینه لازم را برای توسعه صنایع کشاورزی و بومی و کوچک فراهم می‌آورند و با ایفای نقش به عنوان مکان صنایع کشاورزی می‌توانند بخشی از نیروی کار مازاد در نواحی روستایی را جذب کنند و فرهنگ شهری را به حومه انتقال دهند و به فرایند نوسازی سبک زندگی سرعت بخشند.^۱

ضمن اینکه توسعه صنعت در شهرهای کوچک و صنعتی شدن آنها نهایتاً هم به توسعه ملی و هم به توسعه منطقه‌ای و روستایی کمک خواهد کرد.

درمقابل اگر امکانات مورد نیاز روستاییان در شهرهای کوچک، یا مراکز روستایی تأمین شود، لیکن فرصت‌های اشتغال برای نیروی انسانی مازاد روستاها ایجاد نگردد، امر مهاجرت به شهرهای بزرگ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. درواقع، فرصتهای اشتغال موجود در شهرهای بزرگ، مهمترین عامل کشش برای مهاجران روستایی است و از این طریق، شهرهای بزرگ بیش از شهرهای کوچک مورد توجه مهاجران قرار می‌گیرند و از این رو در کشورهای معدودی، شهرهای کوچک، در کاهش مهاجرت‌های روستایی به شهرهای بزرگ نقش عمده‌ای داشته‌اند^۲

یکی از حساسیتها در مورد سیاست سکونتگاهی این است که بزرگترین شهرها خیلی به سرعت در حال رشد هستند و از این رو علاقه برای مهیا کردن فرصتهای مداخله از طریق تشویق و ترغیب توسعه شهرهای کوچکتر و شهرکها به عنوان منزلگاههایی برای مهاجران روستا به شهرها ابراز شده است. از شهرهای کوچک این انتظار می‌رود که بار و ظرفیت جذب مهاجران به داخل بزرگترین شهرها را کاهش دهند و هزینه‌های گزاف شهرنشینی در شهرهای بزرگ را کم کنند و سکونتگاه‌های کوچکتر را بیشتر قادر سازند تا کارکردهای توسعه‌ای شان برای نمونه از طریق جریان ارسال پول از سوی مهاجران به نواحی مبدأشان (زادگاهشان) ارائه نمایند.^۳

در واقع شهرهای کوچک می‌باید به گونه‌ای تجهیز شوند تا عوامل موثر بر مهاجرت را خنثی نمایند. در بین عوامل تأثیرگذار در امر مهاجرت، دو عامل مهم نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم روستاییان برای مهاجرت به خارج از شهرهای کوچک و نواحی روستایی و مهاجرت به شهرهای بزرگ دارند که عبارتند از:

۱- امکان به دست آوردن یک منبع شغلی (به دلیل بالا بودن نرخ بیکاری در نواحی روستایی نسبت به نواحی شهری)؛

1. P.B Desai; "The Pace and Pattern of Urbanization in the Context of Development in Asia"; 1982; pp. 193-234.

۲. حسین شکویی، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، چاپ اول، سمت، ۱۳۷۳، صص ۴۱۳-۴۱۵.

1. Ude James Meekyaa & Carola Rakodi; "The Neglected Small Towns of Nigeria"; TWPR; Vol, 12; No. 1; pp. 21-40.

۲- سطح درآمد در نواحی روستایی و شهرهای کوچک کمتر از شهرهای بزرگ است و مهاجران چنین می‌پندارند که سطح درآمد در شهرهای بزرگ بیشتر از نواحی روستایی و شهرهای کوچک است^۱

بنابر این، چنانچه شهرهای کوچک به عنوان مکان‌های جذب جمعیت مهاجر در نظر گرفته شوند، می‌باید فرصتهای شغلی در آنها به قدر کافی از طرق مختلف ایجاد گردد. در این صورت یک مرکز شهری کوچک مناسب برنامه‌ریزی شده می‌تواند به عنوان مکان مناسب برای جذب مهاجران باشد. این نقش به خاطر دو دلیل ضروری است. نخست اینکه، شهر کوچک خواسته‌های مردمی که تمایل زندگی کردن در شهرهای بزرگ را علی‌رغم درک مزیت‌هایش، ندارند، برآورده می‌کند و دوم اینکه این شهرها می‌توانند به عنوان مکانی برای مهاجرت پله‌ای محسوب گردد و این شهرها با توجه به پله‌ای کردن مهاجرت روستاییان می‌توانند نقش حیاتی در جلوگیری و منحرف کردن مهاجرت‌های قطبی شده به نخست شهرهای بازی کنند.^۲

طرفداران نظریه نقش شهرهای کوچک در امر توسعه، معتقدند که در صورت تأمین نیازهای اساسی و امکانات شغلی در شهرهای کوچک، مسیرهای مهاجرتی تغییر یافته، به جای شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک مقصد نهایی مهاجران روستایی خواهد بود. جذب مهاجران در شهرهای کوچک، کاهش در افزایش جمعیت شهرهای بزرگ را فراهم می‌آورد و مسائل مبتلا به این قبیل شهرها را تعدیل می‌کند و از این رو پیدایش تحرک‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک، پذیرش بخشی از مهاجران روستایی در این قبیل شهرها، عامل خنثی‌کننده مهاجرت‌های روستایی به شهرهای بزرگ است.

به عنوان نمونه تحلیل امر مهاجرت و الگوهای اشتغال در ۲۲ شهر کوچک برزیل، نشان می‌دهد که با فراهم شدن امکاناتی در شهرهای کوچک، توقفی در مهاجرت‌های روستایی به وجود می‌آید. یا در شهرهای کوچک تایلند نیز چنین کارکردی دیده می‌شود. مطالعه محققان در کشورهای چین، اندونزی، هند، نپال و گینه جدید نیز نشان می‌دهد که سیاست‌های دولتی می‌تواند بر روی رشد و توزیع جمعیت کشورشان موثر باشد. توسعه شهرهای کوچک و منابع انسانی که تنها بر مبنای افزایش بهره‌وری توجیه پذیر است، می‌تواند به کاهش مهاجرت از نواحی روستایی به مراکز شهری بزرگ کمک کند. اما بسیاری از راهبردها و سیاست‌های متصور شده، در سطح عمل و اجرا ناتوان هستند. برآورد و ارزیابی و فائق آمدن بر موانع اجرای سیاست‌های توسعه می‌باید بخشی از فرایند برنامه‌ریزی باشد.^۳

اگر چه کاهش موفقیت‌آمیز رشد جمعیت در شهرهای بزرگ به مفهوم رشد سریعتر جمعیت در شهرهای کوچک است، لیکن اگر به عنوان مثال، خدمات لازم نتوانند متناسب با افزایش جمعیت به سرعت

2. ESCOP ; "Small Town and Rural Human Resources Development to Reduce Migration to Large Cities"; USA; New York; United Nation; 1991; pp. 115-116.

3. Joe Umo V; "Small and Intermediate City Package and Development Strategy; "Perspective in Urban Geography; 1986; Vol. 1; P. 336.

1. ESCOP; Ibid; p.6.

گسترش یابد، رشد سریعتر جمعیت در شهرهای کوچک مشکلاتی را به دنبال خواهد داشت. در این صورت شهرهای کوچک ممکن است جاذبه خود را از دست بدهند.^۱

بنابر این تلاشهای توسعه می‌باید مراکز شهری و متوسط و کوچک اندازه را هدف قرار دهند تا اینکه آنها بتوانند نیروی کار افراد قابل دسترس را جذب و به طور منظم کیفیت زندگی بهتر را تأمین نمایند. این تلاشهای توسعه می‌باید جریان مهاجرت نامطلوب را معکوس کند.^۲

۳- جمع بندی تئوریکی

با عنایت به آنچه آمد می‌توان گفت شهرهای کوچک به عنوان مکان مرکزی برای دامنه وسیعی از خدمات فرهنگی و اجتماعی برای دگرگونی شرایط اقتصادی اکثر روستاییان عمل می‌کنند. این شهرها می‌توانند برای اکثریت ساکنان روستایی دسترسی به خدمات اساسی و امکاناتی همچون امکانات رفاهی و آموزشی را فراهم نمایند.^۳

شهرهای کوچک یا روستاها به دلیل اینکه باید جوابگوی نیازهای خدماتی - بازرگانی ساکنان روستاهای اطراف خود باشند، نقش خدماتی برتری را در مقایسه با فعالیت‌های دیگر اقتصادی ایفاء می‌نمایند و در نتیجه کارکرد خدماتی برجسته‌ای برعهده می‌گیرند.^۴

علاوه بر این تمرکز زدائی فرصت‌های اشتغال از کلان شهرهای کشور، عمومی‌ترین و کارسازترین سیاست فضایی کشورها محسوب می‌شود؛ فعالیت‌های اقتصادی و کارکردهای دولتی به شهرهای کوچک انتقال می‌یابد یا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی از یک ناحیه غنی و پردرآمد به یک ناحیه فقیر کم درآمد منتقل می‌شود. انتقال فعالیت‌ها و کارکردها امتیازاتی به دنبال خواهد داشت که عبارتند از:

الف - کاهش مسائل شهرهای بزرگ یا بزرگترین شهر یک کشور؛

ب - رونق دیگر شهرهای استانی و جلوگیری از توسعه نسنجیده مادر شهرها؛

ج - کاهش نابرابریهای ناحیه‌ای بهره‌گیری همه گروه‌های جامعه از امر توسعه؛

د - کمک به گروه‌های کم درآمد ناحیه؛

با سیاست تمرکز زدائی و انتقال، مراکز رشد تازه‌ای در سیستم‌های سکونتگاهی به وجود می‌آید که ممکن است از یک روستای پنج هزار نفری تا مادر شهرهای ناحیه‌ای را شامل شود.^۵

۲. مهرداد جعفرزاده راستین، جمعیت و شهرنشینی، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶، ص ۶.

3 ESCOP; Ibid; P.76.

4. Lawrence onwura Omaja; Ibid; pp. 87-90.

۵. صدیقه حسینی، حاصل؛ روند تکوین، رشد و جایگاه عملکرد شهرهای نوپا (شهرستان رزن)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی؛ دانشگاه اصفهان؛ ۱۳۷۶.

۱. حسین شکویی؛ همان، صص ۴۰۳ و ۴۰۴.

در واقع نیاز به بهبود توسعه شهرهای با مقیاس کوچکتر، به منظور مقابله با رشد شهرهای بزرگ مبتنی بر جهت‌گیریهای نظریه‌های مختلف است که در بین این جهت‌گیریها، مهمترین آنها عبارتند از:

الف - رشد و توسعه منطقه‌ای نابرابر در فرایند توسعه محلی؛

ب - کارایی تولیدی شهرهای بزرگتر و افزایش هزینه‌های شهرنشینی؛

ج - تمرکز قدرت در قطب‌های توسعه (قدرت متمرکز قطب‌های توسعه)؛

د - سازگاری بین یک اقتصاد توسعه یافته و یک توزیع متوازن از اندازه شهرها.^۱

۴- روش شناسی

جامعه آماری در این مقاله ۲۱ شهر استان فارس است که طی دوره ۷۷-۱۳۶۷ از روستا تبدیل به شهر شده‌اند. علت انتخاب این استان به خاطر تبدیل تعداد زیادی از روستاهای این استان به شهر نسبت به سایر استانهای دیگر و از طرف دیگر وجود تعداد شهرهای کافی برای انتخاب نمونه انتخابی با توجه به پیش شرط سپری شدن حداقل ۵ سال از زمان تبدیل روستا به شهر و نهایتاً آشنایی با استان مذکور بوده است.

در مرحله اول تحقیق میدانی تمام شهرهای جامعه آماری به طور اجمالی و به شیوه پهنانگر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، سپس در مرحله دوم از بین شهرهای جامعه آماری که تا پایان سال ۱۳۷۸ حداقل ۵ سال از زمان تبدیل آنها به شهر گذشته است (۱۲ شهر)، نسبت به انتخاب دو شهر نمونه برای مطالعات عمیق‌تر بر روی خود آن شهرها و حوزه نفوذ مستقیم‌شان اقدام گردیده است.

برای انتخاب ۲ شهر منتخب از بین ۱۲ شهر (شهرهای رونیز، قطب‌آباد، جنت شهر، ششده، زاهد شهر، خشت، قائمیه، کنار تخته، بنا رویه، جویم، اشکنان و مهر) از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی.^۲ استفاده گردیده است.

جهت تهیه پرسشنامه از خانوارهای نمونه این دو شهر و روستاهای حوزه نفوذ مستقیم آنها، پس از آزمایش اولیه پرسشنامه‌ها و تعیین روایی آنها و رفع ابهامات و اشکالات آن، تهیه پرسشنامه از حدود ۷ درصد از کل خانوارهای شهری و روستایی این دوشهر و حوزه نفوذ مستقیم آنها ملاک عمل قرار گرفت.

بدین ترتیب از هر یک از شهرهای رونیز و قطب‌آباد ۷۵ خانوار (جمعا ۱۵۰ خانوار) و از روستاهای حوزه نفوذ مستقیم رونیز و قطب‌آباد به ترتیب ۴۸ و ۸۹ خانوار (جمعا ۱۳۷ خانوار) به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب گردید و نسبت به تهیه پرسشنامه از این خانوارهای نمونه اقدام گردیده است.

2. Thompson Almeida Andrade; Decentralization from Large to Small and Intermediate Cities : A Critical View"; 1982; p.236.
3. Stratified Random Sampling.

با عنایت به سؤال مقاله و جامعه آماری، روش تحقیق مبتنی بر شیوه توصیفی و تحلیلی بوده و در بعد مبانی نظریه‌ای از شیوه اسنادی و در آزمون سؤال/ فرضیه شیوه تحلیل آماری بویژه آزمون مقایسه زوجی و آزمون همسویی (من ویتنی) مورد استفاده قرار گرفت.

۵- ترسیم وضعیت موجود

۵-۱- اشتغال

تعداد کل افراد شاغل شهرهای جامعه آماری در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ترتیب برابر با ۲۲۱۹۷، ۲۷۲۳۹ و ۳۱۱۸۸ نفر و تعداد متوسط شاغلان هر یک از ۲۱ نفر جامعه آماری در سالهای مذکور به ترتیب برابر با ۱۰۵۷، ۱۲۹۷ و ۱۴۵۷ نفر بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ به طور کلی تمامی ۲۱ شهر مورد مطالعه دارای روند افزایشی در تعداد افراد شاغل خود بوده‌اند، لیکن روند تغییرات تعداد شاغلان این شهرها در دوره‌های ۷۰-۱۳۶۵ و ۷۵-۱۳۷۰ در برخی شهرها همسو نمی‌باشد.

بررسی درصد تغییرات تعداد شاغلان کل شهرهای مورد مطالعه بیانگر آن است که تعداد شاغلان این شهرها در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ حدود ۴۰/۵ درصد افزایش داشته است، لیکن در دوره‌های ۷۰-۱۳۶۵ و ۷۵-۱۳۷۰ درصد تغییرات یکسان نبوده، به گونه‌ای که درصد تغییرات تعداد شاغلان کل شهرهای جامعه آماری در دو دوره مذکور به ترتیب برابر با ۲۲/۲ و ۱۵ درصد بوده است.

شایان ذکر است، در سال ۱۳۷۰، ۱۸ شهر از ۲۱ شهر مورد مطالعه هنوز روستا بوده و سه شهر دیگر در اواخر دوره ۷۰-۱۳۶۵ تبدیل به شهر شده‌اند و طی همین دوره مذکور که اکثر شهرهای مورد مطالعه روستا بوده‌اند، تغییرات تعداد شاغلان در آنها بیشتر از دوره ۷۵-۱۳۷۰ بوده است، یعنی دوره‌ای که ۱۲ شهر از ۲۱ شهر مورد مطالعه نیز تبدیل به شهر می‌شوند. به عبارت دیگر در اکثر شهرهای مورد مطالعه در سالهای بعد از شهر شدن اگرچه تعداد شاغلان افزایش یافته، لیکن روند افزایش آن به اندازه سالهای ۷۰-۱۳۶۵، یعنی سالهای قبل از شهر شدن نبوده و حتی در بعضی موارد نیز کاهش داشته است. (جدول شماره ۱) مقایسه درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای مورد مطالعه (۲۱ شهر) با درصد تغییرات تعداد شاغلان کل کشور و جامعه شهری کشور در دوره ۷۵-۱۳۶۵، بیانگر بالا بودن درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای مورد مطالعه نسبت به تغییرات تعداد شاغلان کل کشور و پایین بودن درصد تغییرات تعداد شاغلان این شهرها نسبت به جامعه شهری کل کشور است.^۱

همچنین درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری نسبت به درصد تغییرات تعداد شاغلان کل استان فارس در دوره مذکور بالاتر و نسبت به درصد تغییرات تعداد کل شاغلان شهری استان فارس پایین‌تر

۱. درصد تغییرات تعداد شاغلان کل کشور و جامعه شهری کل کشور در دوره ۷۵-۱۳۶۵ به ترتیب برابر با ۳۲/۴۵ و ۴۷/۸۱ درصد بوده است.

بوده است.^۱ این آمار و ارقام بیانگر آن است که اگرچه در این شهرها نسبت به کل کشور و کل استان درصد تغییرات تعداد شاغلان در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش نشان می‌دهد، لیکن نسبت به کل جامعه شهری کشور و استان، درصد افزایش شاغلان کمتر بوده که این خود حکایت از پایین بودن فرصت‌های شغلی ایجاد شده در این شهرها نسبت به کل جامعه شهری کشور و استان دارد.

مقایسه درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری با جامعه شهری کل کشور در دوره ۷۵-۱۳۷۰ (یعنی دوره‌ای که اکثر شهرهای جامعه آماری به شهر تبدیل شده‌اند)، نشانگر وجود عدم اختلاف ناچیز است، به گونه‌ای که درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای مورد مطالعه و کل جامعه شهری کشور در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰، به ترتیب حدود ۱۴/۰۵ و ۱۵/۶۴ درصد بوده و هر دو جامعه شهری کشور در روند تغییرات تبعیت می‌کرده‌اند؛ حال آنکه در دوره ۷۰-۱۳۶۵ درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای مورد مطالعه و کل جامعه شهری کشور به ترتیب برابر با ۲۲/۷ و ۲۷/۸ درصد بوده است و کاهش شکاف درصد تغییرات تعداد شاغلان این شهرها در دوره ۷۵-۱۳۷۰ را می‌توان تا حدودی معلول ایجاد برخی فرصت‌های شغلی در شهرهای جامعه آماری پس از شهر شدن دانست.

جدول ۲- میزان اختلاف و درصد تغییرات تعداد شاغلان مراکز بخش غیر شهری و شهرهای جامعه آماری (روستاها تبدیل شده به شهر در دوره ۷۷-۱۳۶۷) در استان فارس در دوره‌های ۷۰-۱۳۶۵، ۷۵-۱۳۶۵

۱۳۷۰ و ۷۵-۱۳۶۵

جامعه دوره	۱۳۶۵-۷۰	۱۳۷۰-۷۵	۱۳۶۵-۷۵
شهرهای جامعه آماری (۲۱ شهر)	۲۲/۲	۱۵	۴۰/۵
مراکز بخش غیر شهری استان فارس در پایان سال ۱۳۷۷	۱۱/۲	۱۳/۳	۲۶
میزان اختلاف	۱۱	۱/۷	۱۴/۵

به تبعیت از افزایش تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری، نرخ اشتغال در این شهرها پس از شهر شدن رو به افزایش بوده است، به گونه‌ای که در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نرخ اشتغال به ترتیب برابر ۸۴/۷ و ۸۹/۷ درصد بوده است که اختلاف ۵ درصد را نشان می‌دهد. (جدول شماره ۳)

مقایسه نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، که به نوعی بیانگر سالهای قبل و بعد از شهر شدن اغلب شهرهای مورد مطالعه است، با نرخ اشتغال کل کشور و جامعه شهری کل

۲. درصد تغییرات تعداد شاغلان کل استان و جامعه شهری کل استان در دوره ۷۵-۱۳۶۵ به ترتیب برابر با ۳۴/۰۴ و ۴۴/۲۸ درصد بوده است.

کشور حکایت از پایین بودن نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری نسبت به نرخ اشتغال کل کشور و جامعه شهری کشور دارد.

جدول ۳- مقایسه نرخ اشتغال کل کشور، جامعه شهری کشور و روستاهای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره ۷۷-۱۳۶۷، در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵

اختلاف نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری با جامعه شهری و کل کشور در سال ۱۳۷۵	اختلاف نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری با جامعه شهری و کل کشور در سال ۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۷۰	سال
-۱/۲	-۴/۲	۹۰/۹	۸۸/۹	کل کشور
-۱/۴	-۴/۹	۹۱/۱	۸۹/۶	جامعه شهری کل کشور
-	-	۸۹/۷	۸۴/۷	شهرهای جامعه آماری (۲۱ شهر)

همانطور که از جدول شماره ۳ استنباط می‌شود، نرخ اشتغال در کل کشور و جامعه شهری کل کشور در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ بیشتر از نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری مورد مطالعه بوده است، لیکن در سال ۱۳۷۵ اختلاف نرخ اشتغال بین شهرهای جامعه آماری و کل کشور و جامعه شهری کل کشور به نحو محسوسی کاهش یافته است و اختلاف نرخ اشتغال بین آنها به میزان ۱/۴ درصد رسیده است که این خود تا حدودی بیانگر افزایش فرصت‌های شغلی در این شهرها در طی دوره ۷۵-۱۳۷۰ می‌باشد.

از سوی دیگر مقایسه نرخ اشتغال مراکز بخش غیر شهری استان فارس و شهرهای جامعه آماری در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، نشانگر وجود اختلاف بین نرخ اشتغال مراکز بخش غیر شهری استان در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ به مقدار ۳/۷۷ درصد است؛ حال آنکه این اختلاف در بین شهرهای جامعه آماری برابر با ۵ درصد است (جدول شماره ۴). در واقع می‌توان به این نتیجه رسید که در روستاهای تبدیل شده به شهر به تبع افزایش فرصت‌های شغلی، نرخ اشتغال افزایش بیشتری داشته است و این موضوع نیز در تغییرات تعداد شاغلان این دو جامعه نیز مشاهده گردیده است؛ هرچند که در هر دو سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، نرخ اشتغال در مراکز بخش غیر شهری استان، اندکی بیشتر از شهرهای جامعه آماری بوده است.

جدول ۴- مقایسه نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری و مراکز بخش غیر شهری استان فارس (در پایان

سال ۱۳۷۷) در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵

اختلاف	۱۳۷۵	۱۳۷۰	سال جامعه
۵	۸۹/۷	۸۴/۷	شهرهای جامعه آماری
۳/۷۷	۱۰۹ ۹۰	۸۶/۳۲	مراکز بخش غیر شهری استان در پایان سال ۱۳۷۷
-	۰/۳۹ -	-۱/۶۲	اختلاف

مقایسه نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری در سال ۱۳۷۵ با نرخ اشتغال در کل استان فارس و مناطق شهری آن حکایت از آن دارد که نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری (۸۹/۷ درصد) برابر با نرخ رشد اشتغال در کل استان بوده، لیکن نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری ۰/۵ درصد کمتر از نرخ اشتغال کل مناطق شهری استان است. همچنین نرخ اشتغال ۲۰ شهر زیر ۲۵ هزار نفر استان (بجز شهرهای مورد مطالعه) در سال مذکور ۹۱/۳۸ درصد بوده است که در مقام مقایسه، نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری ۱/۶۸ درصد کمتر از شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر استان می‌باشد. در واقع می‌توان چنین استدلال نمود که فرصت‌های شغلی در شهرهای جامعه آماری نسبت به سایر شهرهای کوچک زیر ۲۵ هزار نفره استان کمتر می‌باشد و حتی نرخ اشتغال ۲۰ شهر زیر ۲۵ هزار نفر استان، حدود ۱/۲ درصد بیشتر از نرخ اشتغال کل جامعه شهری استان در سال ۱۳۷۵ بوده است.

۲-۵- بیکاری

تعداد کل بیکاران روستاهای تبدیل شده به شهر (در دوره ۷۷-۱۳۶۷) در استان فارس در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ترتیب برابر با ۴۹۰۳ و ۳۵۷۱ نفر و متوسط تعداد بیکاران هر یک از شهرهای جامعه آماری در سالهای مذکور به ترتیب برابر با ۲۳۳ و ۱۷۰ نفر بوده است.

مقایسه درصد تغییرات تعداد بیکاران شهرهای مورد مطالعه (۲۱ شهر) با درصد تغییرات تعداد بیکاران کل کشور و جامعه شهری کشور در دوره ۷۵-۱۳۷۰ بیانگر آن است که شهرهای مورد مطالعه به نسبت با درصد کاهش تعداد افراد بیکار بیشتری مواجه بوده‌اند، چرا که در طی همین دوره درصد تغییرات بیکاران کل کشور و جامعه شهری به ترتیب برابر با ۱۱/۲۲- و ۲/۸۴- بوده است، حال آنکه طی همین دوره درصد تغییرات تعداد بیکاران شهرهای جامعه آماری برابر با ۲۷/۱۷- بوده است که به ترتیب ۱۵/۹۵- و ۲۴/۳۳- درصد با درصد تغییرات تعداد افراد بیکار کل کشور و جامعه شهری کشور اختلاف نشان می‌دهد.

علت این موضوع را می‌توان هم در افزایش برخی فرصت‌های شغلی در این شهرها و هم احتمالاً مهاجرت افراد بیکار از این شهرها و در نتیجه پایین آمدن تعداد افراد بیکار در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ دانست. بالا رفتن نرخ اشتغال در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ در شهرهای مورد مطالعه سبب شده است که به همان میزان از نرخ بیکاری کاسته شود؛ به گونه‌ای که نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری از ۱۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است و این ارقام نشان‌دهنده آن است که طی این سالها نرخ بیکاری ۵ درصد کاهش یافته است. (جدول شماره ۱)

مقایسه نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، که به نوعی بیانگر سالهای قبل و بعد از شهر شدن اغلب شهرهای مورد مطالعه است، با نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری کشور نشانگر آن است که در دو سال مذکور نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری بیشتر از کل کشور و جامعه شهری کشور بوده است (جدول شماره ۵)، اما روند کاهش نرخ بیکاری در بین شهرهای جامعه آماری سرعت بیشتری نسبت به همین روند در کل کشور و جامعه شهری کشور داشته است، به گونه‌ای که تفاضل نرخ بیکاری در کل کشور و جامعه شهری کشور در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ به ترتیب ۲- و ۱/۵- درصد بوده، حال آنکه این تفاضل در بین شهرهای جامعه آماری ۵- درصد بوده است. در واقع می‌توان چنین گفت که فاصله نرخ بیکاری بین شهرهای جامعه آماری با نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری کشور کاسته شده و نرخ بیکاری شهرهای مورد مطالعه با یک روند کاهشی به سمت نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری سوق پیدا کرده است که بخشی از علت این مسأله را می‌توان به ایجاد برخی فرصت‌های شغلی هرچند اندک در شهرهای مورد مطالعه پس از شهر شدن و به تبع آن کاسته شدن از نرخ بیکاری نسبت داد.

جدول ۵- مقایسه نرخ بیکاری کل کشور، جامعه شهری کشور با روستاهای تبدیل شده به شهر در استان

فارس در دوره ۷۷-۱۳۶۷ در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵

اختلاف نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری با نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری کشور در سال ۱۳۷۵	اختلاف نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری با نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری کشور در سال ۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۷۰	سال جامعه
۱/۲	۴/۲	۹/۱	۱۱/۱	کل کشور
۱/۴	۴/۹	۸/۹	۱۰/۴	جامعه شهری کل کشور
-	-	۱۰/۳	۱۵/۳	شهرهای آماری (۲۱ شهر) جامعه

۶- عوامل موثر در افزایش فرصتهای شغلی

باعنایت به مطالب پیش گفته درمجموع می توان گفت تبدیل روستا به شهر در افزایش برخی فرصتهای شغلی به ویژه در بخش خدمات و بازرگانی موثر بوده است. بخشی از این افزایش فرصتهای شغلی در روستاهای تبدیل شده به شهر ناشی از ایجاد ادارات جدیدی چون شهرداری، اداره آب و فاضلاب و ... می باشد هرچند که ممکن است تمامی فرصتهای شغلی ایجاد شده به افراد بومی اختصاص نیابد، لیکن در هر حال تا حدودی نرخ اشتغال در این شهرها افزایش یافته است. در این قسمت به برخی نمونه ها اشاره می شود:

۱-۶- تأسیس شهرداری

بر طبق مطالعات میدانی انجام گرفته در ۲۰ روستای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره ۱۳۶۷-۷۷، تعداد کل شاغلان شهرداری این ۲۰ شهر ۳۳۶ نفر در پایان سال ۱۳۷۸ بوده است.^۱ در بین این ۲۰ شهر، حداقل و حداکثر تعداد کارکنان شهرداری به ترتیب با ۷ و ۳۰ نفر به شهرهای علاء مرودشت و قائمیه اختصاص داشته است.

۱. در بین شهرهای مورد مطالعه، فقط شهرداری شهر مهر، تعداد کارکنان خود را اعلام نکرده است که اگر کارکنان این شهرداری حداقل ۱۰ نفر در نظر گرفته شود، در آن صورت تعداد کلی شاغلان شهرداری این ۲۱ شهر به ۳۴۶ نفر و میانگین تعداد کارکنان هر یک از شهرداریهای مورد مطالعه به ۱۶/۵ نفر می‌رسد.

۶-۲- مشاغل اداری- دولتی

براساس تحقیقات میدانی به عمل آمده، تعداد کل شاغلان دستگاه‌های دولتی در ۱۸ شهر از ۲۱ شهر مورد مطالعه، قبل از شهر شدن ۳۵۷۸ نفر بوده است که بعد از شهر شدن (پایان سال ۱۳۷۸) به ۶۱۶۴ نفر رسیده است که این تغییر بیانگر افزایش ۷۲/۳ درصدی در تعداد شاغلان ادارات دولتی این شهر در پایان سال ۱۳۷۸ نسبت به سال قبل از شهر شدن این شهرها می‌باشد.

در سال قبل از شهر شدن، میانگین تعداد افراد شاغل ادارات دولتی ۱۸ شهر مورد مطالعه، ۱۹۹ نفر بوده است که در پایان سال ۱۳۷۸ به ۳۴۲ نفر رسیده است.

آزمون مقایسه زوجی^۱ انجام گرفته در ارتباط با تغییرات تعداد افراد معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۸ درصد و احتمال خطای ۲ درصد و افزایش تعداد افراد شاغل دولتی در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از شهر شدن است. (جدول شماره ۶)

جدول ۶- آزمون تغییرات میانگین تعداد افراد شاغل در ادارات دولتی در روستاهای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره ۷۷-۱۳۶۷ در قبل و بعد از شهر شدن (پایان سال ۱۳۷۸)

نتیجه	سطح معنی‌داری	مقدار آماره t	میانگین	تعداد داده‌ها	زمان
وجود تفاوت معنی‌دار در تعداد افراد شاغل ادارات دولتی در قبل و بعد از شهر شدن و افزایش تعداد آنها در بعد از شهر شدن	۰/۰۱۸	۲/۶۳۱	۱۹۸/۷۸	۱۸	قبل از شهر شدن
		-	۳۴۲/۴۴	۱۸	در حال حاضر

۶-۳- مشاغل تجاری و خدماتی

تبدیل روستاها به شهر و به دنبال آن ایجاد تغییرات در وضعیت کالبدی شهرها و خیابان‌کشی‌های جدید و تا حدودی افزایش تقاضا در شهرها، منجر به ساخت و ساز واحدهای تجاری در شهر و در نتیجه افزایش فرصت‌های شغلی در این زمینه شده است. این موضوع در شهرهایی که موقعیت ارتباطی مناسبی داشته و در کنار راه‌های ارتباطی اصلی قرار گرفته‌اند، نمود بیشتری دارد و بخشی از درآمد این واحدهای تجاری از طریق مسافران عبوری کسب می‌گردد. بر طبق اعلام ۱۹ شهر جامعه آماری، تعداد ۲۷۱۷ فقره پروانه کسب برای بار اول صادر شده است و اگر فرض نمائیم که صدور هر پروانه کسب یک فرصت شغلی

1. Paired samples Test.

ایجاد کرده است، پس از تبدیل این روستاها به شهر حداقل ۲۷۱۷ فرصت شغلی در این شهرها ایجاد گردیده و یا مجدداً ساماندهی شده است که حدود ۶۷/۴ درصد آن به خدمات توزیعی (خرده فروشی) و بقیه آن (۳۲/۶ درصد) در زمینه فعالیت‌های تجاری - خدماتی، فنی و تولیدی بوده است.

جدول ۷- حداقل، حداکثر، متوسط و تعداد کل پروانه‌های کسب صادر شده از سوی شهرداریهای

روستاهای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره

۱۳۶۷-۷۷ (۱۹ شهر) به تفکیک نوع فعالیت - تا پایان سال ۱۳۷۸

نوع فعالیت	حداقل	حداکثر	متوسط	جمع کل	
				تعداد	درصد
تجاری- خدماتی	۰	۷۹	۹/۳	۱۷۶	۶/۵
توزیعی	۱۴	۳۱۲	۹۶/۴	۱۸۳۱	۶۷/۴
فنی	۴	۲۰۱	۲۷	۵۱۴	۱۸/۹
تولیدی	۰	۲۹	۱۰	۱۹۶	۷/۲
جمع	۲۳	۵۹۲	۱۴۳	۲۷۱۷	۱۰۰

در بین پروانه‌های کسب صادر شده، فعالیت‌های تولیدی تنها حدود ۷/۲ درصد از کل پروانه‌های کسب صادر شده را شامل می‌شوند. (جدول شماره ۷) که این فعالیت‌ها بیشتر در زمینه تولید درب و پنجره فلزی، خیاطی، کانال‌سازی کولر، بلوک زنی، نجاری و از این قبیل بوده است.

به طور کلی تعداد پروانه‌های کسب صادر شده با تعداد جمعیت شهرها، مدت زمان سپری شده از تأسیس شهرداری و موقعیت ارتباطی شهرها رابطه مستقیم معنی‌دار دارد و در مجموع در روستاهای تبدیل به شهر شده در استان، زمینه‌های شغلی ایجاد شده پس از شهرشدن، در درجه اول مربوط به فعالیت‌های توزیعی (مانند خرده فروشی) بوده و پس از آن فعالیت‌های فنی، تولیدی و خدماتی در درجه‌های بعدی قرار دارند، که دلیل بالا بودن فعالیت‌های توزیعی را عمدتاً می‌توان در عدم وجود نیاز به مهارت و تخصص، نیاز به سرمایه کم و کشش تقاضا در این نوع فعالیت‌ها دانست.

۶-۴- کارگاه‌های صنعتی

تحقیقات به عمل آمده از ۲۱ شهر مورد مطالعه نشان می‌دهد که در ۱۱ شهر (۵۲/۴ درصد) کارگاه‌های صنعتی کوچک و یا بزرگ احداث نشده و تنها در ۱۰ شهر (۴۷/۶ درصد)، پس از شهر شدن، تعداد حدود ۳۰ کارگاه صنعتی کوچک و بزرگ احداث گردیده است. (جدول شماره ۸) که بزرگترین آن

کارخانه سیمان در نزدیکی (حدوداً ۵ کیلومتری) شهر رونیز می‌باشد. سایر کارگاه‌هایی که تا پایان سال ۱۳۷۸ در ۱۰ شهر از ۲۱ شهر مورد مطالعه احداث شده، عبارت از مرغداری صنعتی، کارگاه پلی اتیلن، صندوق‌سازی، کارتن‌سازی، تولید تیرچه و بلوک، توپ دوزی، سردخانه، مواد غذایی، موزائیک‌سازی، آجرپزی، آسفالت‌پزی و بسته‌بندی رطب، هر کدام به تعداد یک کارگاه؛ تراشکاری، کارگاه رب گوجه فرنگی و صنایع بسته‌بندی خرما، هر کدام به تعداد ۲ کارگاه؛ ذرت خشک کنی ۳ کارگاه و بلوک زنی و تولید شن و ماسه هر کدام به تعداد ۴ کارگاه بوده است.

جدول ۸ - وضعیت احداث کارگاه‌های صنعتی (بزرگ یا کوچک) در روستاهای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره ۷۷-۱۳۶۷ در بعد از شهر شدن آنها از دیدگاه اعضای شورای اسلامی شهرهای

مورد مطالعه در سال ۱۳۷۸

وضعیت	شهرها	فراوانی	
		تعداد	درجه
احداث	سیدان، آباده‌طشک، خشت، کنارتخته، رونیز، ششده، جنت‌شهر، بناویه، بیرم، اهل	۲۰	۴۷/۶
عدم احداث	بهمن، سده، قائمیه، داریان، باب انار، زاهدشهر، قطب‌آباد، جویم، علاءمروشدت، مهر، اشکنان	۱۱	۵۲/۴
جمع		۲۱	۱۰۰

اغلب صنایع ایجاد شده در این ۱۰ شهر و اطراف آن نیز ارتباط چندانی با وضعیت شهر بودن یا روستا بودن آنها نداشته و عمدتاً متأثر از وجود مواد اولیه در محل و موقعیت ارتباطی مکان کارخانه و سایر عوامل بوده است. اشتغال ایجاد شده در هر یک از این کارگاه‌ها - بجز کارخانه سیمان که حدود ۸۰ نفر از اهالی رونیز را به خود مشغول کرده است - عمدتاً کمتر از ۱۰ نفر بود و جزء صنایع کوچک محسوب می‌شوند.

۶-۵- نقش شهرهای جامعه آماری در ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستاهای حوزه نفوذ

بر طبق تحقیقات انجام شده بر روی ۲۱ شهر مورد مطالعه و اظهار نظر اعضای شورای اسلامی آنها، تنها به ۵ شهر تقریباً هیچگونه مراجعه روزانه نیروی کار از روستاهای اطراف صورت نمی‌گیرد و به سایر

شهرها (۱۶ شهر) که ۷۶/۲ درصد از کل شهرهای جامعه آماری را تشکیل می‌دهند، مراجعه روزانه نیروی کار از روستاهای اطراف صورت می‌گیرد. نوع کار کارگرانی که از روستاهای اطراف برای جستجوی کار به این شهرها مراجعه می‌کنند، بیشتر کارهای ساختمانی بوده و به تعداد کم در مشاغل اداری، خدماتی و تولیدی نیز مشغول هستند و طبق برآورد اعضای شورای اسلامی ۱۶ شهر، در مجموع روزانه حدود ۱۰۰۰ نفر برای کار از روستاهای اطراف به این شهرها رجوع می‌کنند.

در بین این ۱۶ شهر، اعضای شورای اسلامی سه شهر (۱۸/۷۵ درصد)، اظهار داشته‌اند که میزان مراجعه نیروی کار روستاهای اطراف به این سه شهر در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن تفاوتی نکرده است و اعضای شورای اسلامی ۱۳ شهر دیگر + (۸۱/۲۵ درصد) نیز اعلام کرده‌اند که پس از شهر شدن، نسبت به قبل از آن، میزان مراجعه نیروی کار روستاهای اطراف به این شهرها افزایش یافته است و علت آن را در افزایش ساخت و ساز مسکن، فعالیت‌های عمرانی شهرداری و احداث برخی کارگاه‌های صنعتی در اطراف شهرها و ... دانسته‌اند.

آنچه که مسلم است، ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش ساختمان در این شهرها (پس از شهر شدن) رونق بیشتری یافته است، به گونه‌ای که اعضای شورای اسلامی ۷۱/۴ درصد از شهرهای مورد مطالعه (۱۵ شهر) اظهار داشته‌اند که میزان ساخت و ساز مسکن بعد از تبدیل آنجا به شهر، نسبت به قبل از آن افزایش داشته است و تنها اعضای شورای اسلامی ۵ شهر (۲۳/۸ درصد) اعلام کرده‌اند که ساخت و ساز مسکن بعد از تبدیل آنجا به شهر نسبت به قبل از آن کاهش یافته است و اعضای شورای اسلامی یک شهر گفته‌اند که میزان ساخت و ساز مسکن نسبت به قبل از شهر شدن تغییر چندانی نکرده است.

در مجموع علت افزایش میزان ساخت و ساز مسکن در اغلب شهرهای مورد مطالعه در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن را می‌توان به افزایش جمعیت شهرها و تشکیل خانوارهای جدید، فراهم سازی و بهبود راههای دسترسی در شهرها و ... مربوط دانست و در شهرهایی که با کاهش ساخت و ساز مسکن در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن مواجه بوده‌اند، علت آن را می‌توان عدم اتمام مطالعات طرح هادی این شهرها و در نتیجه مشخص نبودن وضعیت کاربری اراضی و همچنین مشکلات مالی مردم و افزایش هزینه‌های مسکن و ... دانست.

بر طبق نظر اعضای شورای اسلامی، علاوه بر افزایش ساخت و ساز مسکن، ساخت و ساز واحدهای تجاری نیز در ۸۱ درصد از شهرهای جامعه آماری (۱۷ شهر) در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن افزایش داشته است که به دلیل افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش نیاز مردم به واحدهای تجاری، سهل‌تر بودن ایجاد فرصت شغلی در بخش تجاری، افزایش رفت و آمد مردم روستاهای اطراف به این شهرها برای خرید روزانه، خیابان کشی و تعریض و اصلاح معابر، عبور جاده‌های اصلی از اغلب شهرها و ... بوده است و تنها اعضای سه شهر داریان، جنت‌شهر و بیرم (۱۴/۳ درصد) اظهار داشته‌اند که ساخت و ساز واحد تجاری در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن کاهش داشته است که دلیل عمده آن را نیز عدم تهیه طرح هادی

شهر و در نتیجه مشخص نبودن کاربریها و جهات توسعه شهر و وضعیت معابر و همچنین کاهش رونق کسب و کار و عدم کشش تقاضا برای ایجاد واحدهای تجاری بیشتر دانسته‌اند.

در بین شهرهای مورد مطالعه، فقط در یک شهر وضعیت احداث واحدهای تجاری در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن تفاوت چندانی نکرده است، چرا که این شهر علاوه بر جمعیت کم، سابقه شهری کمتری داشته و هم فاقد حوزه نفوذ کافی می‌باشد، ضمن اینکه شهر خود در حوزه نفوذ مرکز بخش قرار گرفته است. بنابراین مشاهده می‌گردد که در اغلب شهرها ساخت و ساز مسکن و واحد تجاری در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن افزایش داشته است که این افزایش منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی هم برای ساکنان شهر و هم برای تعدادی از کارگران روستاهای اطراف شده است.

۶-۶- میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری از دیدگاه اعضای شورای اسلامی شهرهای مورد مطالعه

از دیدگاه اعضای شورای اسلامی، اکثر شهرهای مورد مطالعه (۷۱/۴ درصد)، تبدیل روستای محل سکونتشان به شهر تأثیر متوسط، کم و خیلی کمی در افزایش اشتغال و بیکاری داشته است و تنها اعضای ۶ شهر (۲۸/۶ درصد) معتقدند که تأثیر این اقدام در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری زیاد و خیلی زیاد بوده است.

(جدول شماره ۹)

جدول ۹- میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از دیدگاه اعضای شورای

اسلامی روستاهای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره ۷۷-۱۳۶۷ - سال ۱۳۷۸

فراوانی		شهرها	میزان
درجه	تعداد		
۲۳/۸	۵	سده، آباده‌طشک، داریان، قائمیه، قطب‌آباد	خیلی کم
۹/۵	۲	ششده، بیرم	کم
۳۸/۱	۸	بهمن، سیدان، کنارتخته، رونیز، جنت‌شهر، جویم، بنا رویه، اهل	متوسط
۲۳/۸	۵	خشت، زاهدشهر، علاء مرو دشت، مهر، اشکنان	زیاد
۴/۸	۱	باب انار	خیلی زیاد
۱۰۰	۲۱	جمع	

اعضای شورای اسلامی شهرهایی که معتقدند بعد از تبدیل روستا به شهر، فرصت‌های شغلی افزایش داشته و تأثیر این اقدام را در زمینه ایجاد اشتغال خیلی زیاد و زیاد و متوسط ارزیابی کرده‌اند، علت آن را استقرار ادارات دولتی در شهرها پس از شهر شدن، رونق فعالیت‌های ساختمانی و رونق تجارت و خرید و فروش محصولات کشاورزی روستاهای اطراف در این شهرها نسبت به قبل از شهر شدن دانسته‌اند، و اعضای شورای اسلامی شهرهایی که معتقدند این اقدام تأثیر خیلی کم و یا کمی در افزایش فرصت‌های شغلی داشته است، دلیل خود را عدم ایجاد فرصت‌های شغلی کافی در بخش‌های صنعتی و کشاورزی دانسته و معتقدند که با تبدیل روستا به شهر صرفاً تعداد محدودی فرصت شغلی در مشاغل اداری به ویژه در شهرداری، ایجاد شده است و درکل تأثیر اقدام در جهت افزایش فرصت‌های شغلی چندان چشمگیر نمی‌باشد.

۶-۷- میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در ایجاد فرصت‌های شغلی در گروه‌های عمده فعالیت از دیدگاه اعضای شورای اسلامی شهرهای مورد مطالعه

به طور کلی نظر غالب اعضای شورای اسلامی شهرهای مورد مطالعه این است که تأثیر تبدیل روستا به شهر در ایجاد فرصت‌های شغلی هرچند اندک، بیشتر در فعالیت‌های خدماتی- تجاری و اداری، کشاورزی بوده است و در مجموع شهر شدن این روستاها تأثیر زیادی در ایجاد فرصت‌های شغلی در فعالیت‌های صنعتی نداشته است.

اعضای شورای اسلامی ۷۱/۴ درصد از شهرهای جامعه آماری معتقدند که تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی خدماتی- تجاری متوسط، زیاد و خیلی زیاد بوده است و تنها اعضای شورای اسلامی ۲۸/۶ درصد از شهرها معتقدند که تأثیر این اقدام در زمینه افزایش اشتغال در فعالیت‌های خدماتی- تجاری کم و خیلی کم بوده است. همچنین اعضای شورای اسلامی ۷۶/۲ درصد از شهرهای جامعه آماری، تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش مشاغل اداری را متوسط به بالا (متوسط، زیاد و خیلی زیاد) دانسته‌اند و اعضای شورای اسلامی ۲۳/۸ درصد دیگر از شهرهای مورد مطالعه بر این باورند که تأثیر این اقدام در افزایش مشاغل اداری کم و خیلی کم بوده است. (جدول شماره ۱۰)

از دیدگاه اعضای شورای اسلامی ۷۶/۲ درصد از شهرهای مورد مطالعه، تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی متوسط به بالا بوده است و معتقدند که بعد از تبدیل روستا به شهر خرید و فروش محصولات روستاهای اطراف در این شهرها بیشتر شده است و این امر باعث شده است که برخی مشاغل جدید به واسطه تأسیس کارخانجات تبدیلی و مواد غذایی در اطراف برخی از شهرها و افزایش بنگاه‌های خرید و فروش محصولات کشاورزی (بویژه در امر خرید و فروش خرما) شکل گیرد، ضمن اینکه برخی مشاغل وابسته به کشاورزی همچون خرید و فروش ابزار و ماشین آلات و نهاده‌های کشاورزی و ... نیز در برخی از شهرها افزایش یافته است.

در بین اعضای شورای اسلامی ۱۹ شهر که به سؤال میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در ایجاد فرصت‌های شغلی در فعالیتهای صنعتی پاسخ داده‌اند، ۶۳/۱ درصد معتقدند که تأثیر این اقدام خیلی کم و ۳۱/۶ درصد نیز بر این باورند که تأثیر آن متوسط بوده است و تنها اعضای شورای اسلامی یک شهر معتقد به تأثیر زیاد این اقدام در افزایش مشاغل صنعتی هستند. شایان ذکر است که در بین شهرهای جامعه آماری، در اطراف یک شهر صنایع نسبتاً مهم‌تر و بزرگتری (از جمله صنایع غذایی) شکل گرفته است که بخشی از علت آن را می‌توان در موقعیت ارتباطی این شهر و قرار گرفتن آن در محور صنعتی استان فارس یعنی شیراز، مرودشت و آباده دانست و در صورت عدم تبدیل سیدان به شهر نیز امکان شکل‌گیری این صنایع زیاد می‌بود.

جدول ۱۰- میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در ایجاد فرصت‌های شغلی در گروه‌های عمده فعالیت از دیدگاه اعضای شورای اسلامی روستاهای تبدیل شده به شهر در استان فارس در دوره ۷۷-۱۳۶۷ - سال

۱۳۷۸

نوع فعالیت		الف - خدماتی - تجاری		ب - اداری		ج - کشاورزی		د - صنعتی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱- خیلی کم	۳	۱۴/۳	۳	۱۴/۳	۱	۴/۸	۷	۳۳/۳	
۲- کم	۳	۱۴/۳	۲	۹/۵	۳	۱۴/۳	۵	۲۳/۸	
۳- متوسط	۸	۳۸/۱	۱۰	۴۷/۶	۱۰	۴۷/۶	۶	۲۸/۶	
۴- زیاد	۵	۲۳/۸	۵	۲۳/۸	۳	۱۴/۳	۱	۴/۸	
۵- خیلی زیاد	۲	۹/۵	۱	۴/۸	۳	۱۴/۳	۰	۰/۰	
۶- بدون پاسخ	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۱	۴/۸	۲	۹/۵	
جمع	۲۱	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	

بنابراین ملاحظه می‌گردد که اعضای شورای اسلامی اکثر شهرها بر این باورند که در مجموع تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری ناچیز بوده است و در مقام مقایسه بین فعالیت‌های مختلف، تعداد اندک فرصت شغلی هم که ایجاد شده است بیشتر در فعالیتهای اداری، تجاری و کشاورزی بوده است و افزایش فرصت‌های شغلی در فعالیتهای صنعتی نسبت به فعالیتهای دیگر بسیار ناچیز بوده است.

۸-۶- تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری از دیدگاه خانوارهای شهری نمونه رونیز و قطب‌آباد

بر طبق تحقیقات میدانی به عمل آمده از خانوارهای شهری نمونه، تنها حدود ۲/۷ درصد از خانوارهای نمونه معتقدند که میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری زیاد و خیلی زیاد بوده است و استدلال آنها این است که بعد از شهر شدن به سبب ایجاد ادارات جدید، فرصت‌های شغلی نسبتاً زیاد ایجاد گردیده است. در بین کل خانوارهای نمونه، ۱۴ درصد معتقدند که تأثیر این اقدام در حد متوسط و ۸۳ درصد از کل خانوارهای نمونه نیز بر این باورند که تأثیر این اقدام در افزایش فرصت‌های شغلی کم و خیلی کم بوده است. (جدول شماره ۱۱) و دلیل این باور را در عدم احداث صنایع در بعد از شهر شدن، کمبود درآمد در منطقه و شهر جهت سرمایه‌گذاری، عدم توجه مسئولان به ایجاد فرصت‌های شغلی در این شهرها و محدود شدن تبدیل روستا به شهر به تغییر نام آن، افزایش جمعیت در برخی شهرها در بعد از شهر شدن و عدم تناسب آن با فرصت‌های شغلی ایجاد شده و ... دانسته‌اند.

جدول ۱۱ میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری از

دیدگاه خانوارهای شهری نمونه رونیز و قطب‌آباد- سال ۱۳۷۹

میزان تأثیر	شهر	رونیز	قطب‌آباد	جمع
خیلی زیاد	۱/۳	۰	۰/۷	
زیاد	۴	۰	۲	
متوسط	۲۰	۸	۱۴	
کم	۲۲/۷	۳۶	۲۹/۳	
خیلی کم	۵۲	۵۶	۵۴	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

اگرچه برخلاف خانوارهای شهری نمونه قطب‌آباد، در بین خانوارهای شهری رونیز، خانوارهایی یافت می‌شوند که معتقد به تأثیر زیاد و خیلی زیاد تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی هستند، اما براساس آزمون به عمل آمده (من ویتنی) تفاوت معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان و احتمال ۵ درصد خطا مشاهده نمی‌گردد (جدول شماره ۱۶)؛ هرچند که در بین خانوارهای نمونه رونیز نسبت به خانوارهای نمونه قطب‌آباد، دیدگاه مثبت‌تری در این زمینه مشاهده می‌شود.

عدم وجود تفاوت معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد در دیدگاه خانوارهای نمونه و اتفاق نظر خانوارهای نمونه این دو شهر بر این امر صحنه می‌گذارد که تأثیر تبدیل روستاها به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی چندان زیاد و چشمگیر نبوده است و نظر آنها نیز تا حدودی با نظر اعضای شورای اسلامی همسو می‌باشد.

جدول ۱۲- آزمون همسویی (من ویتنی): نظر خانوارهای شهری نمونه رونیز و قطب‌آباد درباره میزان تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری - سال ۱۳۷۹

شهر	تعداد داده‌ها	میانگین رتبه	مقدار آماره Z	سطح معنی‌داری	نتیجه
رونیز	۷۵	۷۹/۹	۱/۳۷۴	۰/۱۶۹	عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین نظر خانوارهای نمونه دو شهر
قطب‌آباد	۷۵	۷۱/۱			

۶-۹- امکان فرصت‌های شغلی مناسب از دیدگاه خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ مستقیم شهرهای رونیز و قطب‌آباد

تحقیقات میدانی به عمل آمده در بین خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ دو شهر رونیز و قطب‌آباد مشخص می‌دارد که تنها ۱۱/۹ درصد از آنها مرکز بخش را (یعنی رونیز و قطب‌آباد) به عنوان محل امکان یافتن شغل مناسب دانسته‌اند و این خود مشخص می‌کند که روستاهای تبدیل شده به شهر جاذبه چندان از لحاظ اشتغال برای روستاهای اطراف ایجاد نکرده‌اند؛ حال آنکه ۴۴ درصد از کل خانوارهای روستایی نمونه در دو بخش رونیز و کردیان معتقدند که در مرکز شهرستان امکان یافتن شغل مناسب بیشتر است و به ترتیب ۱۱/۹ و ۱۳/۴ درصد از خانوارهای روستایی نمونه نیز معتقدند که امکان یافتن شغل مناسب در مراکز استان و سایر جاها بیشتر است. (جدول شماره ۱۳-)

در بین کل خانوارهای روستایی نمونه، ۱۸/۷ درصد بر این باورند که امکان یافتن شغل مناسب در خود روستای محل سکونت بیشتر از سایر مکانها می‌باشد که در مقایسه با یافتن شغل مناسب در مرکز بخش، بیانگر جاذبیت بیشتر خود روستا نسبت به مراکز بخش از نظر امکان یافتن شغل مناسب است.

اگرچه در بین نظر خانوارهای روستایی نمونه رونیز و قطب‌آباد در این زمینه تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود و درصد بیشتری از خانوارهای روستایی نمونه رونیز، مرکز بخش را به عنوان مکان یافتن شغل مناسب انتخاب کرده‌اند؛ اما از لحاظ محل امکان یافتن شغل مناسب در بین سایر مکانها، مراکز بخش در هر دو بخش رتبه چهارم را داراست و در واقع یک نوع اتفاق نظر بر روی امکان یافتن شغل مناسب در مرکز

بخش وجود دارد، همچنین در نزد خانوارهای روستایی نمونه بخش رونیز و کردیان نیز مرکز شهرستان بیشترین اهمیت برای امکان یافتن شغل مناسب داشته است.

به طور کلی به دلیل وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در جهرم و همچنین نزدیکی روستاهای حوزه نفوذ شهر قطب‌آباد به این شهر، امکان یافتن شغل مناسب در این شهر نزد خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ قطب‌آباد اهمیت بیشتری یافته است به گونه‌ای که ۵۴/۷ درصد از این خانوارهای نمونه حوزه نفوذ قطب‌آباد، مرکز شهرستان (جهرم) را به عنوان بهترین مکان برای یافتن شغل مناسب انتخاب کرده‌اند، حال آنها تنها حدود ۲۵ درصد از خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ رونیز، شهر استهبان را بدین منظور انتخاب کرده‌اند. (جدول شماره ۱۳-)

مرکز استان (شیراز) به عنوان مکان یافتن شغل مناسب در نزد ۲۲/۹ درصد خانوارهای روستایی نمونه رونیز اهمیت یافته؛ حال آنکه تنها ۵/۸ درصد از خانوارهای روستایی نمونه کردیان معتقد به امکان یافتن شغل مناسب در این مکان هستند. (جدول شماره-۱۳)

در مجموع می‌توان گفت که برای یافتن شغل مناسب در نزد خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ هر دو شهر (رونیز و قطب‌آباد)، مرکز شهرستان دارای اولویت اول و مرکز بخش دارای اولویت چهارم بوده است و جاذبیت شغلی مراکز بخش برای خانوارهای روستایی نمونه هر دو بخش از شهرستانهای مجاور، مرکز شهرستان و خود روستای محل سکونت کمتر بوده است و این خود حکایت از آن دارد که با تبدیل این روستاها به شهر (رونیز و قطب‌آباد) اندک فرصت‌های شغلی ایجاد شده نیز نصیب ساکنین خود شهر و افراد غیر بومی شده و در حال حاضر و تحت این شرایط نمی‌توان امیدوار بود که این شهرها به عنوان مکانی برای جذب نیروی کار مازاد روستاهای اطراف درآیند.

جدول ۱۳- محل امکان یافتن شغل مناسب از دیدگاه خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ مستقیم

شهرهای رونیز و قطب‌آباد - سال ۱۳۷۹

جمع	کردیان	رونیز	بخش مکان
۱۸/۷	۱۹/۸	۱۶/۷	روستای محل سکونت
۱۳/۴	۱۰/۵	۱۸/۸	سایر جاها
۱۱/۹	۵/۸	۲۲/۹	مرکز استان
۴۴	۵۴/۷	۲۵	مرکز شهرستان
۱۱/۹	۹/۳	۱۶/۷	مرکز بخش
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

۷- نتیجه گیری و توصیه‌های سیاست‌گذاری

با توجه به نقش بالقوه و بالفعلی که شهرهای کوچک می‌توانند در ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های غیر کشاورزی ایفاء نمایند، این انتظار وجود دارد که تبدیل روستا به شهر بتواند تا حدودی در ایجاد فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی موثر واقع گردد. در این راستا با توجه به متغیرهای مورد نظر این فرضیه که تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در نواحی روستایی مورد مطالعه موثر است، مورد بررسی و آزمون قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

- بررسی روند تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری نشان می‌دهد که در مجموع تعداد مطلق شاغلان این شهرها افزایش یافته‌است. لیکن درصد تغییرات تعداد شاغلان در دوره ۷۰-۱۳۶۵ نشان دهنده آن است که در مجموع در بعد از شهر شدن، تعداد افراد شاغل این شهرها با افزایش کمتری نسبت به قبل از آن مواجه بوده‌است.

با وجود اینکه درصد تغییرات تعداد شاغلان این شهرها در دهه ۷۵-۱۳۶۵ از درصد تغییرات شاغلان کل کشور و کل استان فارس در این دوره بیشتر بوده، لیکن در مقایسه با تغییرات تعداد شاغلان جامعه شهری کل کشور و جامعه شهری استان فارس کمتر بوده‌است و این خود حکایت از آن دارد که ایجاد فرصت‌های شغلی در این شهرها در مجموع کمتر از سایر شهرهای کشور و استان بوده‌است. مطالعات نشان دهنده آن است که شکاف بین درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری و جامعه شهری کشور در دوره ۷۵-۱۳۷۰ نسبت به دوره ۷۰-۱۳۶۵ کاهش یافته‌است و این امر را می‌توان تا حدودی معلول افزایش برخی فرصت‌های شغلی در شهرهای جامعه آماری در طی سالهای ۷۵-۱۳۷۰ دانست، در واقع درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری در دوره ۷۵-۱۳۷۰، هماهنگ و همسو با درصد تغییرات تعداد شاغلان جامعه شهری کل کشور شده‌است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که درصد تغییرات تعداد شاغلان شهرهای جامعه آماری بیشتر از مراکز بخش غیر شهری استان بوده و این خود حکایت از آن دارد که در شهرهای جامعه آماری فرصت‌های شغلی نسبت به مراکز بخش غیر شهری افزایش بیشتری داشته‌است، هرچند که در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نرخ اشتغال مراکز بخش غیر شهری کمی بیشتر از شهرهای جامعه آماری بوده‌است.

مقایسه نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نشان داد که نرخ اشتغال این شهرها افزایش قابل توجهی داشته و از ۸۴/۷ درصد به ۸۹/۷ درصد رسیده‌است و تفاضل نرخ اشتغال شهرهای مورد مطالعه با نرخ اشتغال کل کشور و جامعه شهری کشور در سال ۱۳۷۵ کمتر از سال ۱۳۷۰ شده‌است و این کاهش تفاضل بیانگر افزایش فرصت‌های شغلی در شهرهای جامعه آماری در طی دوره ۷۵-۱۳۷۰ است.

با این حال، مقایسه نرخ اشتغال شهرهای جامعه آماری با جامعه شهری کل استان و شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر استان نشان داد که در مجموع فرصت‌های شغلی در شهرهای جامعه آماری کمتر می‌باشد.

بررسی وضعیت بیکاران شهرهای جامعه آماری نشان داد که طی دوره ۷۵-۱۳۷۰ از تعداد افراد بیکار و نرخ بیکاری شهرهای مورد مطالعه کاسته شده و تعداد بیکاران آنها از ۴۹۰۳ نفر در سال ۱۳۷۰ به ۳۵۷۱ نفر در سال ۱۳۷۵ و نرخ بیکاری آنها از ۱۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش داشته است.

مقایسه درصد تغییرات تعداد بیکاران شهرهای جامعه آماری با درصد تغییرات بیکاران کل کشور جامعه شهری کل کشور در دوره ۷۵-۱۳۷۰، نشان داد که در مجموع درصد تغییرات تعداد بیکاران شهرهای مورد مطالعه بیشتر بوده است که این خود می‌تواند هم معلول افزایش فرصت‌های شغلی و در نتیجه کاهش بیکاری و هم معلول مهاجرت افراد بیکار از این شهرها و در نتیجه پایین آمدن تعداد افراد بیکار و نرخ بیکاری، در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۰ باشد. اگرچه در دو سال مذکور نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری بیشتر از کل کشور و جامعه شهری کشور بوده است، لیکن روند کاهش نرخ بیکاری شهرهای جامعه در دوره ۷۵-۱۳۷۰، سرعت بیشتری نسبت به روند کاهش نرخ بیکاری در کل کشور و جامعه شهری کل کشور در دوره مذکور داشته است. در واقع چنین می‌توان گفت که فاصله نرخ بیکاری شهرهای جامعه آماری با نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری کشور کاسته شده و نرخ بیکاری شهرهای مورد مطالعه با یک روند کاهشی به سمت نرخ بیکاری کل کشور و جامعه شهری کل کشور سوق پیدا کرده است.

در چارچوب آزمون فرضیه مقاله علاوه بر استناد به داده‌های آماری موجود در سرشماری، از یافته‌های تحقیقات میدانی نیز در این ارتباط می‌توان موارد زیر را طرح کرد:

- بررسیها نشان داد که تبدیل روستا به شهر به صورت مستقیم و غیر مستقیم در ایجاد برخی فرصت‌های شغلی در این شهرها موثر است، از جمله فرصت‌های شغلی ایجاد شده که نمود بیشتری داشته است، اشتغال بیش از ۳۵۰ نفر در شهرداریهای روستاهای تبدیل به شهر شده می‌باشد.

- مطالعات نشان داد که به دنبال تبدیل روستا به شهر، برخی ادارات و مؤسسات دولتی و عمومی در این شهرها دایر گردیده و از این طریق نیز برخی فرصت‌های شغلی ایجاد شده است و این خود باعث تفاوت معنی‌دار و افزایش تعداد شاغلان دولتی در این شهرها در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن گردیده است، چنانکه افراد شاغل در ادارات دولتی در ۱۸ شهر مورد مطالعه از حدود ۳۵۷۸ نفر در سال قبل از شهر شدن آنها به ۶۱۶۴ نفر در پایان سال ۱۳۷۸ رسیده است و میانگین تعداد افراد شاغل دولتی در هر یک از ۱۸ شهر مورد مطالعه، از ۱۹۹ نفر در قبل از شهر شدن به ۳۴۲ نفر در پایان سال ۱۳۷۸ رسیده است که این تغییرات میانگین در سطح $\alpha = 0/02$ معنی‌دار است.

- بررسیها نشان می‌دهد که ساخت و ساز واحدهای تجاری در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن افزایش داشته است و براین اساس در بعد از شهر شدن مشاغل تجاری و توزیعی و خدماتی جدیدی نیز شکل گرفته است، چنانکه در مجموع حدود ۲۷۰۰ پروانه کسب از سوی شهرداریها برای اولین بار، از بدو تأسیس تا پایان سال ۱۳۷۸ صادر گردیده که این خود حداقل موجب ایجاد و ساماندهی حدود ۲۷۰۰ شغل

در این شهرها پس از شهر شدن می‌باشد که حدود ۶۷ درصد از کل پروانه‌های کسب صادر شده نیز مربوط به خدمات توزیعی (خرده‌فروشی) بوده است.

در مجموع در هر یک از شهرهای مورد مطالعه (۱۸ شهر) از بدو تأسیس شهرداری تا پایان سال ۱۳۷۸، به طور متوسط ۱۴۳ پروانه کسب صادر شده و بررسیها نشان داده است که ارتباط مستقیم معنی‌دار خیلی قوی بین تعداد پروانه‌های کسب صادر شده با تعداد جمعیت، مدت زمان سپری شده از تأسیس شهرداری و موقعیت ارتباطی شهرها وجود دارد.

با توجه به نوع فعالیت پروانه‌های کسب صادر شده توسط شهرداریها می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مجموع زمینه‌های شغلی ایجاد شده در این شهرها در بخش خصوصی، در درجه اول مربوط به فعالیت‌های توزیعی (خرده فروشی و ...) بوده و پس از آن فعالیت‌های فنی، تولیدی و خدماتی در درجه‌های بعدی قرار می‌گیرند و دلیل بالا بودن فعالیت‌های توزیعی را می‌توان در عدم نیاز به مهارت و تخصص، نیاز به سرمایه کم و کشش تقاضا در این نوع فعالیت‌ها و ... دانست.

- بررسیها نشان داد که تبدیل روستا به شهر در شرایط و کیفیت کنونی، تأثیر ناچیزی در استقرار فعالیت‌های صنعتی در این شهرها و اطراف آن داشته است، به گونه‌ای که اعضای شورای ۵۲ درصد از شهرهای مورد مطالعه اذعان داشته‌اند که در بعد از شهر شدن فعالیت صنعتی قابل توجهی در آنها شکل نگرفته و در ۴۸ درصد از شهرهای دیگر مورد مطالعه، صنایع ایجاد شده منحصر به صنایع کوچکتر چون مواد غذایی، مصالح ساختمانی و ... بوده که تعداد کارکنان اغلب آنها ۱۰ نفر و کمتر هستند ضمن اینکه ایجاد بخشی از این صنایع هم متأثر از تبدیل روستا به شهر نبوده و در شکل‌گیری آنها عواملی چون وجود مواد اولیه، موقعیت ارتباطی مکان کارخانه و ... دخیل بوده است.

ایجاد و افزایش فرصت‌های شغلی در شهرهای مورد مطالعه بویژه در زمینه مشاغل ساختمانی و کارگری، سبب شده است که اکثر این شهرها، مورد مراجعه نیروی کار روستاهای اطراف قرار گیرند و به‌واسطه ایجاد این فرصت‌های شغلی، میزان مراجعه نیروی کار روستاهای اطراف به این شهرها نیز در بعد از شهر شدن نسبت به قبل از آن افزایش پیدا کند.

علی‌رغم اینکه فرصت‌های شغلی نسبتاً مناسبی در این شهرها و بویژه در بخش‌های اداری، خدماتی-توزیعی و ساختمانی و ... در بعد از شهر شدن ایجاد گردیده است، لیکن اعضای شورای اسلامی ۷۱/۴ درصد از شهرهای مورد مطالعه معتقدند که تأثیر تبدیل روستای محل سکونتشان به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری متوسط به پایین (متوسط، کم و خیلی کم) بوده است، چرا که آنها معتقدند فرصت‌های شغلی جدید چندانی در بخش صنعت ایجاد نگردیده و صرفاً تعداد اندکی مشاغل اداری و تجاری در بعد از شهر شدن به وجود آمده است.

- تحقیقات به عمل آمده از خانوارهای نمونه در شهرهای رونیز و قطب‌آباد در ارتباط با تأثیر تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری نشان داد که در مجموع تنها حدود ۲/۷ درصد

از آنها تأثیر این اقدام در افزایش فرصت‌های شغلی زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند و ۱۴ درصد آنها به تأثیر متوسط و ۸۳ درصد آنها نیز به تأثیر کم و خیلی کم آن در افزایش فرصت‌های شغلی در شهرهای محل سکونتشان معتقدند و در این زمینه نیز خانوارهای نمونه هر دو شهر نظر تقریباً یکسانی دارند و هیچگونه اختلاف معنی‌داری بین نظر آنها در سطح احتمال خطای ۰/۰۵ مشاهده نمی‌گردد و در مجموع نظر خانوارهای شهری نمونه با اعضای شورای اسلامی شهرهای جامعه آماری همسویی دارد و خانوارهای نمونه نیز همانند اعضای شورای اسلامی معتقدند که صرفاً مشاغل کمی در بخش اداری و تجاری ایجاد گردیده و فعالیت‌های اشتغال زای دیگری (بویژه در بخش صنعت) در این شهرها شکل نگرفته است.

- بررسیها نشان داد که با وجود اینکه برخی مشاغل اداری و تجاری در این شهرها در بعد از شهر شدن شکل گرفته است، لیکن ایجاد این فرصت‌های شغلی تأثیر چندانی در جذب نیروی کارمآزاد روستاهای پیرامونی نداشته است و افراد جذب شده در این فرصت‌های شغلی یا از ساکنین خود شهرها و یا افراد غیر بومی (بویژه در بخش اداری) هستند و در مجموع به علت عدم وجود فرصت‌های شغلی مناسب و کافی برای نیروی کارمآزاد روستاهای اطراف در این شهرها، انتخاب این شهرها جهت یافتن شغل مناسب در نزد خانوارهای روستایی نمونه جذابیت چندانی نداشته به گونه‌ای که تنها حدود ۱۲ درصد از خانوارهای روستایی نمونه حوزه نفوذ مستقیم دو شهر رونیز و قطب‌آباد، این دو شهر مذکور را به عنوان محل امکان یافتن شغل مناسب برگزیده‌اند که این خود بیانگر آن است که در شرایط کنونی، روستاهای تبدیل به شهر شده جاذبه چندانی از لحاظ اشتغال برای روستاهای اطراف ایجاد نکرده‌اند و در مجموع برای خانوارهای روستایی جذابیت شغلی مراکز بخش (شهرهای رونیز و قطب‌آباد) کمتر از مرکز شهرستان، شهرهای مجاور و حتی روستای محل سکونت خودشان است و انتخاب مرکز شهرستان در اولویت و اهمیت اول برای یافتن شغل مناسب نیز همانند الگوی رفتاری مهاجرت آنهاست و به عبارت دیگر الگوی رفتاری خانوارهای نمونه در جهت انتخاب مکان برای شغل مناسب و مهاجرت، هماهنگ بوده و عمدتاً متوجه مرکز شهرستان مربوطه است.

بنابراین با توجه به متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی می‌توان به این نتیجه کلی رسید که تبدیل روستاها به شهر تا حدودی در افزایش فرصت‌های شغلی (بویژه در بخش مشاغل اداری و خدماتی-توزیعی) در شهرهای مورد مطالعه موثر بوده است، لیکن در فرصت‌های شغلی ایجاد شده، بیشتر نیروی کار خود شهرها یا جاهای دیگر جذب شده‌اند و در بعد از شهر شدن این شهرها، فرصت‌های شغلی بسیار ناچیزی برای نیروی کار مآزاد و بیکار روستاهای پیرامون ایجاد شده است.

با وجود اینکه محققان بسیاری به نقش و اهمیت کارکرد بالقوه و بالفعل شهرهای کوچک در ایجاد فرصت‌های شغلی غیر کشاورزی برای نیروی کار مآزاد روستایی اعتقاد دارند و در مطالعات خود به این موضوع دست یافته‌اند و معتقدند که با توسعه شهرهای کوچک این نقش به خوبی ایفاء خواهد شد، لیکن مطالعات انجام شده در این مقاله نشان داده است که صرف تبدیل روستا به شهر به عنوان یک گام در جهت

ایجاد و تقویت و توسعه شهرهای کوچک نمی‌تواند تأثیری درخور توجه در ایجاد اشتغال، بویژه اشتغال مولد، برای نیروی کار مازاد روستاهای اطراف داشته باشد و صرفاً در ایجاد برخی از مشاغل اداری و خدماتی- تجاری برای نیروی کار خود شهرها و یا افراد غیر بومی مؤثر است.

- نتایج حاصل از این مقاله در این زمینه با نتایج مطالعات افرادی چون بکیشنانادا باجاراچاریا در نپال (سال ۱۹۹۴)، ایوانز (۱۹۹۲) در مالزی و ... انطباق دارد و این افراد نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای کوچک به علت عدم سرمایه‌گذاری صنعتی کم بوده و این شهرها نقش ناچیز در ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه نفوذ خود دارند و تنها در صورت سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و روبنایی، توسعه کشاورزی حوزه نفوذ و ایجاد صنایع کوچک و صنایع فرآوری محصولات کشاورزی، تقویت و تسهیل اکوتوریسم و گردشگری روستایی است که افزایش فرصت‌های شغلی برای نیروی کار مازاد کار روستایی حاصل می‌شود، حال آنکه تبدیل روستا به شهر در وضعیت کنونی این شرایط را محقق نساخته و در ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک مقیاس و صنایع مربوط به فرآوری محصولات کشاورزی و تسهیل در اکوتوریسم و گردشگری روستایی چندان مؤثر نبوده است؛ چرا که اساساً تأمین فرصت‌های شغلی غیر کشاورزی در شهرهای کوچک، با سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک مقیاس و صنایع مربوط به فرآوری محصولات کشاورزی میسر است و لازمه این کار تشویق بخش خصوصی به روی آوردن به شهرهای کوچک از طریق تقویت و تسهیلات لازم شهرهای صنعتی، تأمین تسهیلات و تأسیسات زیربنایی لازم توسط دولت، معافیت‌های مالیاتی، پرداخت یارانه، یا کاهش نرخ سود وام‌های سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک و محدودیت توسعه صنایع در شهرهای بزرگ است.

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- ایزدی خرامه، حسن، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی؛ مورد مطالعه: استان فارس، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- ۲- شکویی، حسین؛ دیدگاههای نو در جغرافیای شهری؛ جلد اول، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
- ۳- حسینی حاصل، صدیقه؛ روند تکوین، رشد و جایگاه عملکرد شهرهای نوپا (شهرستان رزن)؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی؛ دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۶.
- ۴- جعفرزاده راستین، مهرداد؛ جمعیت و شهرنشینی؛ تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه فارس؛ مشخصات نقاط روستایی استان فارس، براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ در چارچوب تصمیمات کشوری سال ۱۳۶۹ (شهرستانهای مختلف استان فارس)؛ چاپ اول، شیراز: سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۰.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه استان فارس؛ خصوصیات عمده جمعیتی مناطق روستایی (شهرستانهای استان فارس) براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ در چارچوب تقسیمات کشوری سال ۱۳۷۷؛ شیراز: سازمان برنامه و بودجه استان فارس، معاونت آمار و اطلاعات، ۱۳۷۷.
- ۷- سازمان برنامه و بودجه استان فارس؛ نتایج رایانه‌ای آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ استان فارس.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه استان فارس؛ نتایج رایانه‌ای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، استان فارس.
- ۹- مرکز آمار ایران؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵ - شناسنامه آبادیهای کشور (شهرستانهای مختلف استان فارس)؛ چاپ اول، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵؛ فرهنگ آبادیهای کشور (شهرستانهای مختلف استان فارس)؛ چاپ اول، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸.
- ۱۱- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵؛ فرهنگ آبادیهای کشور (شهرستانهای مختلف استان فارس)؛ چاپ اول، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸.
- ۱۲- سازمان برنامه و بودجه استان فارس؛ آمارنامه استان فارس سال ۱۳۷۷؛ شیراز: سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۸.
- ۱۳- مرکز آمار ایران؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵؛ شناسنامه استانهای کشور؛ استان فارس، ۱۳۷۶.
- ۱۴- مرکز آمار ایران؛ سالنامه آماری کشور (سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸)، تهران: مرکز آمار ایران.

۱۵- سازمان برنامه و بودجه استان فارس ، سالنامه آماری استان فارس (سالهای دوره ۶۸-۱۳۶۵)، شیراز : سازمان برنامه و بودجه استان فارس.

ب - انگلیسی

- 1-Andrade, Thompson Almeida; “Decentralization from Large to Small and Intermediate Cities: A Critical View”; Small Cities and National Development, Om Prakash Mathur, Nagoya Japan; UNCRD; 1982; pp. 235-251.
- 2-Bajracharya, Bkisha Nada; “Small Towns and Rural Development: A Study of Urban – Rural Relations in the Hill Region of Nepal ; A Case Study of Banefa” University of Hawaii; (Ph.D.D); 1994.
- 3-Desai, P.B “The Pace and Pattern of Urbanization in the Context of Development in Asia”; 1982; pp. 193-234,
- 4-Escop; “Small Town and Rural Human Resources Development to Reduce Migration to Large Cities”; USA, New York; United Nation; 1991.
- 5-Evans, Hugh-Emrys; “A Virtuous Circle Model of Rural-Urban Development: Evidence from A Kenya Small Town and its Hinterland” Journal of Development Studies; 1992; Vol. 28; No.4; pp. 640-667.
- 6-Gaile, Gary L ; “Improving Rural-Urban Linkage through Small Town Market Based Development”; TWPR; 1992; Vol.14 ;No. 2; pp.131-148.
- 7-Lienbach, T.R; “Small Town, Rural Linkages and Employment”; International Regional Science Review; 1992; Vol. 14; No. 3; pp. 317- 323.
- 8-Meekyaa Ude James & Carole Rakodi ; “The Neglected Small Towns of Nigeria”; TWPR; 1990; Vol. 12; No.1; pp.21-40.
- 9-Omoja Lawrence Onwura; “The Role of Small Towns in Rural Development in Borno State; Nigeria”; UK, London University (ph.D.D); 1987.
- 10-Poppe Manfred ; “Structure Planning for Medium-Sized Towns in Egypt: A Problem-Oriented Approach”; TWPR; 1991; Vol. 13; No.4; pp.335-355.
- 11-Ruddle & Denndi A. Rondinelli; “Transforming Natural Resources for Human Development: A Resource Systems Framework for Development Policy”; USA; United Nation University; 1983.
- 12-Umo Joe U ; “Small and Intermediate City Package and Development Strategy; “Perspective in Urban Geography; 1986; Vol. 1; pp.327-344.
- 13-United Nations Center for Human Settlement [UNCHS] (Habitat); Population Distribution and Urbanization : A Review of Policy Options”; Nairobi, Kenya; UNCHS (Habitat); 1985.

